

— ژاکلین وودسون —
— ترجمه کیوان عبیدی آشتیانی —

زیر نور ماه شیشه‌ای یک مرثیه

www.ketab.ir

افق
شر

— www.ofoqo.com —

سرشناسنامه
 عنوان و نام پدیدآور
 مشخصات نشر
 مشخصات ظاهری
 فهرست
 شابک
 وضعیت فهرست نویسی
 یادداشت

وودسن، ژاکلین. **Jacqueline, Woodson**
 زیر نور ماه شیشه‌ای (یک مرثیه) / ژاکلین وودسن؛
 ترجمه‌ی کیوان عبیدی آشتیانی.
 تهران: افق، ۱۳۹۳.
 ۱۲۸ ص.
 رمان، ۱۲۸.
 978-600-353-062-1
 فیبا
 عنوان اصلی:
Beneath a meth moon: an elegy 2012
 داستان‌های کودکان آمریکایی -- قرن ۲۰م.
 عبیدی آشتیانی، کیوان، ۱۳۳۵، مترجم
 ۹۱۳۹۳ ز ۲۵ و ۳۵۷۱ / PS
 [ج] ۵۴ / ۸۱۳
 ۳۵۹۱۸۸۴ شماره‌کتابشناسی ملی

زیر نور ماه شیشه‌ای یک مرثیه

نویسنده
 مترجم
 ویراستار
 طراح الگوی متن و جلد
 صفحه‌آرایی و نسخه‌برداری

ژاکلین وودسون
 کیوان عبیدی آشتیانی
 توسا صالحی
 کیانوش غریب‌پور
 انلیه‌ی نشر افق

شابک
 چاپ اول
 لیتوگرافی
 چاپ و صحافی
 قیمت

۹۷۸-۶۰۰-۳۵۳-۰۶۲-۱
 ۱۳۹۴، ۲۰۰۰ نسخه
 سبب
 پزمان، تهران
 ۷۵۰۰ تومان

حقوق چاپ و نشر، انحصاراً برای مؤسسه‌ی نشر افق محفوظ است.
 نقل بخش‌هایی از متن با ذکر منبع بلامانع است.

افق
نشر

درباره‌ی نویسنده

ژاکلین آماندا وودسون، متولد سال ۱۹۶۳ در آمریکا است. او برای کودکان و نوجوانان می‌نویسد و کتاب *Miracle's Boys* از ایشان در سال ۲۰۰۱ موفق به دریافت جایزه‌ی کورتا اسکات کینگ شد. همچنین دو اثر او *Feathers* و *After Tupac and D Foster* نامزد فهرست افتخار نیوبری شده و جایزه‌ی مارگارت ادواردز در سال ۲۰۰۵ به خاطر سال‌ها فعالیت در زمینه‌ی ادبیات کودک و نوجوان به ایشان تعلق گرفته است. خانم وودسون در مورد کتاب زیر نور ماه شش‌ه‌ای می‌گوید: «دوست داشتم در مورد مواد مخدر بنویسم چون شاهد گسترش مواد مخدر در قشر عظیمی از جامعه هستم. این روزها می‌بینم که مواد مخدر در کشورمان چطور بیداد می‌کند و من وقتی می‌بینم قدرتی برای مقابله با چیزی ندارم سراغ نوشتن می‌روم. برای نوشتن این داستان مدت زیادی تحقیق کردم و به مراکز ترک اعتیاد رفتم و دیدم که چطور مردم تمایل به تمیز کردن وجودشان دارند. اما نمی‌توانند. امیدوارم همه‌ی آن‌هایی که گرفتار مواد مخدرند بتوانند مثل قهرمان داستان من خودشان را نجات بدهند.»

سخن مترجم

کتاب را به توصیه‌ی دوست و همکار خوب شورایی‌ام، سحر ترهنده، تهیه کردم. نمی‌دانستم قرار است با چه داستانی روبه‌رو شوم اما توصیف‌های او به شدت ترغیبم کرد تا به کتاب فروشی محبوبم بروم، گوشه‌ای بنشینم، صفحاتی از کتاب را بخوانم و بعد آن را بخرم. داستان چندان بلند نبود و یک روز و نیم بیشتر طول نکشید تا تمامش کنم. و بعد نوبت فکرکردن بود، فکرکردن به اینکه ترجمه‌اش کنم یا نه! و این فکرکردن بیشتر از زمان خواندن کتاب طول کشید. داستان در مورد اعتیاد بود و چیزی که بیشتر از همه وسوسه‌ام می‌کرد کمبود داستان‌هایی در زمینه‌ی اعتیاد نوجوانان و جوانان بود. فرق نمی‌کند آدم چطور معتاد شود یا اینکه کجای کوه‌ی خاکی گرفتار این طلسم شود، مهم این است که چطور از شر آن خلاص شود. اعتیاد، دغدغه‌ی بزرگ این نویسنده بود و این موضوع را از مصاحبه‌هایش کشف کردم. و اعتیاد دغدغه‌ی بزرگ من نیز، به عنوان یک مترجم، هست و این موضوع را شاید روزی در مصاحبه‌ای کشف کنید!

و به این ترتیب این کتاب در دست‌های شماست همان‌طور که روزی در دست‌های من بود.

کیوان عبیدی آشتیانی